

## تحقیق محلی با تراضی اصحاب دعوا بر مطلعان (تحلیل ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م.)

مهدی حسن زاده\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۷/۲۷)

### چکیده

در ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. اعلام شده است طرفین می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع در محل، معرفی و به آنچه آن‌ها اظهار می‌کنند تراضی نمایند. تراضی موضوع این ماده از نظر موضوع، شکل، ماهیت، اعتبار و اثر، نیاز به مطالعه و بررسی دارد تا مشخص شود تحقیق محلی موضوع این ماده با تحقیق محلی که همراه چنین توافقی نیست، چه تشابه و تفاوت‌هایی دارد. در این بررسی برآنیم تا ثابت نماییم تراضی موضوع ماده یادشده، اعلام آمادگی قبلی طرفین نسبت به تأیید اظهارات مطلعان معرفی شده است. این آمادگی قبلی می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی اعلام شود و بدون آنکه ماهیتی غیر از تحقیق محلی برای تحقیق موضوع این ماده ایجاد نماید، می‌تواند زمینه اقرار بعدی اصحاب دعوا را فراهم سازد یا در ارزیابی تحقیق محلی به‌عنوان اماره قضایی از سوی قاضی مؤثر باشد.

### واژگان کلیدی

اماره قضایی، تحقیق محلی، تراضی، گواهی، مطلعان.

### ۱. مقدمه

در ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. مقرر شده است: «طرفین دعوا می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع از آنان در محل معرفی و به گواهی آنان تراضی نمایند. متصدی تحقیقات صورت اشخاصی را که اصحاب دعوا انتخاب کرده‌اند نوشته و به امضای طرفین می‌رساند». حکم ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. کنونی در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸ش) در ماده ۴۳۲ آمده بود که در این ماده قانونی، این نوع از تحقیق محلی از اختیار قاضی در تشخیص اعتبار اطلاعات مطلعان، استثنا شده بود.

در وضع کنونی قانون آیین دادرسی مدنی، موضوع، شکل، ماهیت، اعتبار و آثار تراضی موضوع ماده ۲۵۳ این قانون، نیاز به بررسی و مطالعه دارد تا مشخص شود جایگاه و نقش این نوع از تحقیق محلی در دادرسی، در مقایسه با تحقیق محلی‌ای که با چنین تراضی‌ای همراه نیست، چیست؟ و آیا تفاوتی در این زمینه میان این دو نوع تحقیق محلی وجود دارد؟

این موضوع با وجود اهمیت و کاربرد آن، تا جایی که نگارنده ملاحظه کرده، توجه جدی نویسندگان حقوقی را به خود جلب نکرده است و جز چند اشاره مختصر و گذرا مطلبی درباره آن در منابع یافت نمی‌شود. از این رو در این نوشته برآنیم تا به بررسی این موضوع پرداخته، ثابت نماییم تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. از نظر ماهیت، اعلام آمادگی طرفین دعوا، برای تأیید اظهارات مطلعان معرفی شده در خصوص موضوع دعواست که می‌تواند زمینه اقرار طرفی را که این اطلاعات به ضرر اوست، فراهم نماید و با تأیید بعدی او، به تحقق اقرار با تمام احکام و آثار آن منجر شود و در صورت عدم تأیید بعدی، چنین پذیرشی در ارزیابی اطلاعات مطلعان به‌عنوان اماره قضایی، نقش موثری دارد.

مطالب تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود؛ در بخش نخست، موضوع، شکل و ماهیت تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. و در بخش دوم، اعتبار و آثار تحقیق محلی همراه با تراضی یادشده بررسی می‌شود.

### ۲. موضوع، شکل و ماهیت تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م.

از مطالب قابل بررسی در خصوص تراضی مندرج در ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م.، موضوع و شکل آن است که با تشخیص ماهیت این تراضی ملازمه دارد و تعیین ماهیت این تراضی، در تشخیص اعتبار تحقیق محلی همراه با تراضی یادشده و تعیین آثار آن نقش اصلی دارد.

## ۱.۲. موضوع

از مطالب مهم مربوط به ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. تعیین موضوع تراضی مندرج در این ماده است که نقش عمده‌ای در تعیین ماهیت و آثار این تراضی دارد. در این خصوص این پرسش مطرح است که آیا تراضی موضوع این ماده، منحصر به انتخاب اشخاص برای ادای گواهی است یا افزون بر آن، آنچه را آن‌ها در ادای گواهی اعلام می‌کنند، دربر می‌گیرد؟

در قانون آیین دادرسی سابق به قرینه اینکه در ماده ۴۳۴ آمده بود: «مگر در مواردی که طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و رفع اختلاف را فقط به تصدیق آن‌ها واگذار کرده‌اند»، فهمیده می‌شد که موضوع تراضی در ماده ۴۳۲ آن قانون، افزون بر انتخاب اشخاص، تصدیق آن‌ها را نیز دربر می‌گرفت. این عبارت در قانون آیین دادرسی کنونی (مصوب ۱۳۷۹) حذف شده و حذف این عبارت، این تردید را به وجود آورده است که تراضی موضوع ماده ۲۵۳ این قانون، شامل تراضی بر آنچه گواهان انتخاب شده اظهار می‌کنند نیز بشود. با وجود این، عبارت این ماده به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را صرفاً ناظر به انتخاب و معرفی اشخاص دانست، بلکه اظهارات مطلعان را نیز دربر می‌گیرد.

نکته دیگر در خصوص آوردن کلمه «گواهی» در این ماده است. به نظر می‌رسد در این ماده گواهی به معنایی گسترده به کار رفته که شامل اظهارات مطلعان در تحقیقات محلی، حتی در مواقعی است که بر اساس قطع و یقین نباشد، بلکه بر مبنای گفته‌ها و شنیده‌ها از دیگران باشد؛ توضیح اینکه گواهی در معنای خاص، خبر دادن از روی قطع و یقین به قصد مشارکت در اثبات واقعیت است. گواهی به این معنا شامل اظهارات مطلعان در تحقیق محلی، زمانی که این اظهارات از روی قطع و یقین نیست، نمی‌شود. اما چنین اظهاراتی می‌تواند مشمول ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. باشد؛ به این معنا که اصحاب دعوا می‌توانند در تحقیق محلی اشخاصی را با تراضی، انتخاب و معرفی نمایند که اظهارات آن‌ها استماع شود، اگرچه اظهارات آن‌ها از روی قطع و یقین نباشد و عنوان گواهی به معنای خاص بر آن صدق نکند.

به کار بردن واژه «گواهی» در بخش مربوط به تحقیق محلی، تأییدی است بر اینکه نمی‌توان تحقیق محلی و گواهی را دو دلیل کاملاً متفاوت با ماهیت‌های کاملاً جدا دانست، بلکه اظهارات مطلعان در تحقیق محلی، نوعی از گواهی در معنای گسترده آن است؛ با این ویژگی که نه در دادگاه، بلکه در محل انجام تحقیق ارائه می‌شود. می‌توان از این هم فراتر رفت و اعلام کرد، هنگامی که در اجرای قرار تحقیق محلی با اشخاصی روبه‌رو شویم که واجد شرایط قانونی شاهد باشند و اظهارات آن‌ها از روی قطع و یقین بوده، شرایط ادای گواهی نیز در آن‌ها جمع باشد، عنوان گواهی در معنای خاص آن هم صادق است و صرف خارج از دادگاه بودن، مانع از اطلاق عنوان گواهی در معنای خاص بر آن نمی‌شود.

**۲.۲. شکل**

ترازی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. ممکن است به صورت شفاهی و با اعلام شفاهی به متصدی تحقیقات یا به صورت کتبی و با ارائه نوشته حاوی ترازی به متصدی تحقیقات باشد. با وجود این، به موجب ذیل ماده یادشده، متصدی تحقیقات در حال مکلف است با تنظیم صورت جلسه «صورت اشخاصی را که اصحاب دعوا انتخاب کرده‌اند نوشته و به امضای طرفین» برساند.

این ترازی می‌تواند در زمان اجرای تحقیق محلی و هنگام مراجعه متصدی تحقیقات به محل برای استماع اظهارات مطلعان محلی باشد. پرسش قابل تأمل این است که آیا چنین ترازی می‌تواند قبل از زمان اجرای قرار تحقیق محلی و در زمان صدور چنین قراری یا پیش از آن محقق شود؟ به نظر می‌رسد با توجه به آثار مثبتی که این ترازی در رسیدگی و کشف واقع دارد و اینکه منعی در این خصوص وجود ندارد، چنین امری امکان‌پذیر است. در این صورت، اسامی اشخاصی که اصحاب دعوا انتخاب کرده‌اند، در صورت جلسه دادگاه نوشته شده، به امضای طرفین می‌رسد.

مطلب دیگر، اختیار وکلای اصحاب دعوا در خصوص موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. است. به نظر می‌رسد در این باره باید میان احتمال‌های مختلف در خصوص موضوع و ماهیت ترازی موضوع ماده یادشده تفاوت قائل شد؛ به این ترتیب که در صورتی که ترازی موضوع این ماده را صرفاً ناظر بر انتخاب و معرفی اشخاص و نه آنچه آن‌ها اظهار می‌کنند، بدانیم، حکم این ماده شامل وکلای طرفین دعوا نیز می‌شود و وکلا نیز می‌توانند برای کسب اطلاع، بر انتخاب اشخاصی ترازی کرده، آن‌ها را به‌طور مشترک معرفی نمایند. چنین اختیاری، فرع بر اختیار وکلای اصحاب دعوا در معرفی شاهد و مطلع به دادگاه است؛ یعنی همان‌طور که وکلای اصحاب دعوا اختیار دارند که گواهان یا مطلعان موکل خود را به‌طور یک‌جانبه به دادگاه برای استماع گواهی یا کسب اطلاع معرفی کنند، می‌توانند در این معرفی با طرف مقابل یا وکیل او نیز ترازی نمایند و اشخاصی را به صورت مشترک انتخاب و معرفی کنند. اما اگر ترازی را ناظر به اظهارات مطلعان معرفی شده نیز بدانیم، به‌خصوص اگر ماهیت قرارداد داور یا سازش برای آن قائل شویم، وکلای طرفین دعوا برای چنین توافقی نیاز به اختیار ویژه از موکل دارند (بندهای ۲ و ۵ ماده ۳۵ ق.آ.د.م.).

**۳.۲. ماهیت**

در صورتی که ترازی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. را صرفاً ناظر بر انتخاب و معرفی اشخاص برای کسب اطلاع بدانیم، ترازی در این صورت عبارت است از معرفی دوجانبه اشخاصی

برای کسب اطلاع، و همان‌طور که هر یک از طرفین می‌تواند در تحقیق محلی اشخاصی را به‌طور یک‌جانبه برای کسب اطلاع معرفی کند، این افراد می‌توانند اشخاصی را به صورت مشترک، معرفی نمایند و برای چنین معرفی مشترکی نمی‌توان ماهیت عقدی قائل شد، بلکه این می‌تواند یکی از اقدامات اصحاب دعوا در جریان دادرسی و شیوه‌ای خاص در استناد به دلیل و رسیدگی به آن باشد. به عبارت دیگر، به‌جای معرفی یک‌جانبه افراد برای کسب اطلاع، این امر به صورت توافقی و دوجانبه صورت می‌گیرد و اشخاصی به صورت مشترک از سوی طرفین دعوا معرفی می‌شوند و چنین معرفی‌ای در دادرسی آثاری فراتر از معرفی یک‌جانبه دارد که در ادامه توضیح داده خواهد شد. این اقدام شبیه توافق طرفین در انتخاب کارشناس و معرفی کارشناس مرضی‌الطرفین به دادگاه است که نمی‌توان برای آن، ماهیت عقدی شناخت. اما اگر تراضی موضوع ماده یادشده را شامل آنچه اشخاص معرفی شده اظهار می‌کنند نیز بدانیم، ماهیت تراضی در این حالت، محل بررسی است. یک احتمال این است که همان‌طور که گفته شد (صدرزاده افشار، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶) چنین توافقی را قرارداد داوری بدانیم؛ به این بیان که طرفین با چنین توافقی پذیرفته‌اند اختلاف آن‌ها از سوی داور یا داوران رسیدگی و حل و فصل شود و درواقع، اشخاصی که انتخاب و معرفی می‌شوند، داوران اصحاب دعوا هستند. این مطلب پذیرفتنی نیست، زیرا چنین مطلبی با ماده ۲۵۳ ق. آ.د.م. سازگار نیست، چون این ماده در مبحث مربوط به تحقیق محلی است و به‌روشنی در آن از انتخاب و معرفی اشخاص برای کسب اطلاع سخن به میان آمده است؛ درحالی که اگر منظور داوری بود، الزاماً در آن به جای انتخاب و معرفی اشخاص برای کسب اطلاع، انتخاب و معرفی اشخاص برای رسیدگی و صدور رای و به جای کلمه «گواهی»، واژه «داوری» می‌آمد و بهتر بود این ماده در مبحث داوری آورده می‌شد. در وضع کنونی این ماده، چگونه می‌توان آن را به نحوی تحلیل کرد که قابل انطباق با داوری باشد؟ در داوری، اختلاف برای رسیدگی و صدور رای، به شخص یا اشخاص ارجاع می‌شود و با ارجاع پرونده به داوری، رسیدگی دادگاه متوقف شده، دادگاه مداخله‌ای در رسیدگی داور نمی‌کند؛ درحالی که ماده یادشده، انتخاب و معرفی اشخاص را برای کسب اطلاع از آن‌ها در دادگاه و در جریان رسیدگی به دلایل مقرر کرده است. همچنین، اطلاعاتی که از افراد معرفی شده به موجب این ماده دریافت می‌شود، به عنوان دلیل موضوع دعوا طرف توجه و ارزیابی دادگاه قرار می‌گیرد و در صورتی که دادگاه، آن اطلاعات را مطابق با واقع تشخیص دهد و به علم و قناعت وجدان برسد، بر اساس آن رای صادر می‌کند و اطلاعات یادشده را به عنوان تنها دلیل یا بخشی از ادله اثبات دعوا مبنای رای قرار می‌دهد و این مطلب به‌هیچ‌وجه با داوری شناختن تراضی موضوع ماده یادشده سازگار نیست.

احتمال دیگر این است که تراضی موضوع ماده یادشده را نوعی سازش در دعوا تلقی نماییم؛ با این ویژگی که به جای توافق طرفین که حاوی تعیین تکلیف نهایی ادعاهای طرفین باشد، طرفین بر روش خاصی برای خاتمه دادن به اختلاف، تراضی می‌کنند، به این صورت که اشخاصی را انتخاب و بر آنچه آن‌ها اظهار می‌کنند، به عنوان راه حل اختلاف توافق نمایند.

ایرادی که بر این تحلیل وارد به نظر می‌رسد این است که در سازش، اصحاب دعوا در خصوص حل اختلاف، چنان توافق می‌کنند که دیگر نیازی به ادامه رسیدگی و صدور رای دادگاه باقی نمی‌ماند؛ درحالی که در تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م، راه حل اختلاف فراهم نمی‌شود و نیاز به ادامه رسیدگی و صدور رای دادگاه برطرف نمی‌شود، چون طرفین بر تأیید آنچه اشخاص معرفی شده اظهار خواهند کرد، اعلام آمادگی می‌کنند و فرض این است که این اشخاص اطلاعات خود را در خصوص موضوع دعوا بیان می‌دارند و اظهارات آن‌ها منحصر است به تشریح موضوع دعوا، اما در خصوص چگونگی حل اختلاف و راه پایان دادن به دعوا مطلبی اظهار نمی‌کنند. باین‌وصف، لازم است دادگاه بر اساس موضوع، به نحوی که اشخاص یادشده اظهار کرده‌اند، رسیدگی را ادامه داده، حکم آن را مشخص و اعلام نماید.

در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) قانون‌گذار در ماده ۴۳۴ تراضی موضوع ماده ۴۳۲ آن قانون را قاطع دعوا اعلام کرده بود و برای دادگاه نقشی در ارزیابی اطلاعات اشخاصی که با تراضی انتخاب و معرفی می‌شدند، قائل نشده بود. این بیان قانون‌گذار در قاطع دعوا شناختن تراضی یادشده، این تراضی را بسیار به سازش نزدیک کرده بود، ولی با حذف چنین مطلبی در قانون آیین دادرسی مدنی کنونی (مصوب ۱۳۷۹)، این تردید به‌طور جدی وجود دارد که آیا چنین اثری برای تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. می‌توان قائل شد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد می‌توان این تراضی را نوعی سازش تلقی کرد که با وجود اشتراک در ماهیت، از نظر محتوا، شکل و چگونگی تصمیم دادگاه با حالت معمولی سازش تفاوت‌هایی دارد. اما پاسخ مثبت به این پرسش در وضع کنونی قانون آیین دادرسی مدنی بسیار دشوار است، زیرا آنچه در خصوص اعتبار نتایج تحقیق محلی قاعده می‌باشد، حکمی است که در ماده ۲۵۵ آن قانون آمده و به موجب آن، ارزیابی نتایج تحقیق محلی در اختیار قاضی است و قاطع دعوا شناختن اظهارات مطلعان در تحقیق محلی در حالتی خاص، یک حکم استثنایی نسبت به قاعده عام یادشده می‌باشد که نیاز به تصریح در قانون دارد.

در نهایت می‌توان گفت تراضی موضوع ماده یادشده افزون‌بر اشتراک در معرفی اشخاص برای دریافت اظهارات ایشان، به معنای اعلام آمادگی طرفین دعوا برای تأیید واقعیت موضوع دعوا به شرح اظهارات اشخاص معرفی شده است و هردو طرف با این تراضی اعلام می‌کنند واقعیت موضوع دعوا را آن‌گونه که اشخاص یادشده بیان می‌کنند، تأیید می‌نمایند. چنین اعلام

مشترکی زمینه تأیید بعدی اظهارات مطلعان از سوی طرفین دعوا را فراهم می‌نماید که می‌تواند به اقرار ایشان منتهی شود. به این ترتیب می‌توان گفت با این تراضی، طرفین در خصوص واقعیت موضوع دعوا و نه راه حل آن، موضع مشترکی اتخاذ می‌کنند که قلمرو آن محدود به واقعیت موضوع پرونده است، ولی راه حل آن همچنان بلا تکلیف مانده، اتخاذ تصمیم دادگاه در قالب صدور رای را می‌طلبد.

### ۳. اعتبار و آثار تحقیق محلی همراه با تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق. آ.د.م.

به دنبال بررسی موضوع و شکل تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق. آ.د.م. و تعیین ماهیت آن، لازم است اعتبار و آثار تحقیق محلی همراه با چنین تراضی‌ای بررسی شود که با ماهیت آن ملازمه دارد.

#### ۳.۱. اعتبار

در ماده ۴۳۴ ق. آ.د.م. سابق (مصوب ۱۳۱۸)، تشخیص اعتبار اطلاعات مطلعان محلی به دادگاه واگذار شده بود؛ مگر در موافقی که طرفین، بر انتخاب اشخاص تراضی نموده، رفع اختلاف را به تصدیق آن‌ها واگذار کرده بودند. حقوق دانان نیز از این ماده لزوم صدور حکم دادگاه را طبق گفته اشخاصی که بر گواهی آنان تراضی می‌شد، استنباط کرده بودند (امامی، بی‌تا، ص ۲۴۴؛ مدنی، ۱۳۷۵، ص ۵۰۹).

در ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی کنونی اطلاعات حاصل از تحقیق محلی از امارات قضایی اعلام شده که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی یا مؤثر در آن باشد. گفتنی است که حکم این ماده را باید منصرف از حالتی شناخت که در اجرای تحقیق محلی، با ادای شهادت و با وجود تمام شرایط شاهد و شهادت، مواجه شویم؛ چراکه در این صورت با شهادتی روبه‌رو خواهیم بود که سبب اثبات دعواست و صدور حکم بر اساس آن لازم است و اعتبار آن مشروط به علم یا اطمینان قاضی نیست. ماده ۲۵۵ ق. آ.د.م. جایگزین ماده ۴۳۴ ق. آ.د.م. سابق شده، ولی استثنای مربوط به تحقیق محلی با تراضی طرفین در آن نیامده است. این تغییر بیان قانون‌گذار سبب شده است که حکم استثنایی یادشده فاقد مستند قانونی در قانون کنونی باشد؛ در حالی که احکام استثنایی نیاز به تصریح قانونی دارند. بنابراین با نبود صراحت قانونی که حکم استثنایی یادشده را مقرر کرده باشد، می‌توان گفت تحقیق محلی با تراضی طرفین از نظر اعتبار، حکم خاص ندارد، بلکه تابع حکم کلی مربوط به تحقیق محلی است. پس تحقیق محلی در هر حال از نظر اعتبار، مشمول حکم ماده ۳۵۵ ق. آ.د.م. است و میان اینکه بر گواهی اشخاص خاصی تراضی شده باشد یا نه، فرقی نیست.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر از جهت حکم اعتبار، میان تحقیق محلی با تراضی طرفین و غیر آن فرقی نیست، پس تراضی چه فایده و نقشی دارد؟ در پاسخ باید گفت اگرچه از جهت حکم اعتبار، تفاوتی وجود ندارد و تحقیق محلی در حال از جهت اعتبار، مشمول حکم ماده ۳۵۵ ق.آ.د.م. است، اما به موجب همین ماده، هر تحقیق محلی با توجه به شرایط خاص آن می‌تواند نقش متفاوتی در اثبات موضوع دعوا داشته باشد؛ به نحوی که اگر علم یا اطمینان قاضی را در پی داشته باشد، موجب اثبات موضوع دعوا می‌شود و حکم دادگاه را بر اساس آن به دنبال دارد، ولی اگر سبب علم یا اطمینان قاضی نشود، با وجود ادله دیگر، صرفاً می‌تواند در جهت اثبات موضوع دعوا به آن ادله کمک نماید، اما به تنهایی نمی‌تواند سبب اثبات موضوع دعوا شود. با این توضیحات، تراضی طرفین می‌تواند نقش مؤثری در تقویت اعتبار تحقیق محلی داشته باشد؛ به این صورت که تراضی طرفین بر استماع اظهارات اشخاص معرفی شده، سبب می‌شود قاضی به گفته این افراد توجه بیشتر نماید و احتمال صدق چنین افرادی و مطابقت اظهارات آن‌ها با واقع از نگاه قاضی بیشتر می‌شود و چه بسا قاضی از گفته آن‌ها راحت‌تر به علم یا اطمینان برسد.

در این خصوص و در تأیید آنچه گفته شد، می‌توان به سخن یکی از نویسندگان حقوقی استناد کرد که اعلام کرده است، قانون‌گذار تفاوتی میان تحقیق محلی با تراضی طرفین و غیر آن قائل نیست، ولی اطلاعات حاصل از تحقیق محلی با تراضی طرفین به عنوان اماره قضایی، پشتوانه محکم‌تری دارد (مهاجری، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱).

وانگهی، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م.، افزون‌بر معرفی مشترک مطلعان، اظهارات ایشان را نیز دربر می‌گیرد و حاوی اعلام آمادگی طرفین دعوا برای تأیید واقعیت موضوع دعوا به شرح اظهارات مطلعان معرفی شده است. بر این اساس، با کسب اطلاع از مطلعان، در صورتی که طرفی که اطلاعات به ضرر اوست، بر اساس اعلام آمادگی قبلی، گفته اشخاص معرفی شده را تأیید نماید، می‌توان گفت، اقرار آن طرف محقق شده و این دلیل تحت این عنوان و با رعایت مقررات مربوط به اقرار، طرف توجه دادگاه قرار می‌گیرد. اما اگر آن طرف، از تأیید گفته اشخاص معرفی شده خودداری نماید، در این صورت نمی‌توان تأیید و اعلام آمادگی قبلی را اقرار و تابع احکام و آثار آن شناخت، بلکه در این صورت و همچنین در صورتی که طرف یادشده نه تنها گفته‌های مطلعان را تأیید نمی‌کند، بلکه با وجود اعلام آمادگی قبلی، آن گفته‌ها را تکذیب می‌کند، اطلاعات مطلعان، به عنوان اماره قضایی، طرف توجه قرار می‌گیرد و اعلام آمادگی قبلی طرفین، به خصوص هنگامی که با مخالفت بعدی مواجه نشده، در ارزیابی چنین اماره‌ای لحاظ می‌شود و مؤثر است.



با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت، وضعیت قانون آیین دادرسی مدنی کنونی در خصوص موضوع بحث و برای هماهنگی با فقه، بهتر از قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) است، زیرا آنچه در ماده ۴۳۴ ق. آ.د.م. سابق آمده بود و تحقیق محلی را در صورت تراضی طرفین در انتخاب اشخاص و واگذاری رفع اختلاف به تصدیق آن‌ها، از اختیار قاضی در تشخیص اعتبار تحقیق محلی، خارج کرده و به چنین تحقیق محلی‌ای اعتبار مطلق بخشیده بود، با آنچه در فقه در خصوص گواهی و اطلاعات مطلعان بیان شده است، سازگار نبود؛ چون در فقه، تا جایی که نویسنده ملاحظه کرده، بحث تأثیر تراضی طرفین در اعتباربخشی به گواهی و اظهارات مطلعان مطرح نشده است، بلکه فقها در خصوص گواهی، در صورت جمع بودن شرایط، قاضی را ملزم به صدور رای بر اساس آن و در صورت جمع نبودن شرایط، آن را بی‌اعتبار شناخته اند است (ر.ک. الطوسی، بی‌تا، ص ۱۰۴؛ الحلی (العلامه)، بی‌تا، ص ۲۰۵؛ الحلی، ۱۴۱۵، ص ۷۶؛ الحلی (المحقق)، بی‌تا، ص ۲۸۰؛ المکی العاملی، ۱۳۶۸، ص ۵۱).

بنابراین در فقه، تراضی به عنوان عاملی که سبب شده قاضی مکلف به صدور رای بر اساس اظهارات گواهان و مطلعان شود، طرف توجه قرار نگرفته و تایید نشده است. در برخی از منابع اعلام شده است، اعتراف مشهودعلیه به عدالت شاهد، سبب جواز صدور حکم بر اساس آن نمی‌شود، بلکه قاضی باید عدالت شاهد را احراز نماید (الطباطبایی الیزدی، ۱۳۷۸، ص ۷۶). با وجود این، در برخی دیگر از منابع، از بعضی از فقها نقل شده که در چنین صورتی شهادت پذیرفته است و بر اساس آن حکم صادر می‌شود (النراقی، ۱۴۰۵، ص ۶۴۶).

وانگهی، پذیرش قاطع دعوا بودن تحقیق محلی با تراضی طرفین بر مطلعان و اظهارات آن‌ها و لزوم صدور رای بر اساس آن، با آنچه در فقه در خصوص جایز نبودن صدور حکم بر اساس شهادت در صورت علم قاضی به کذب بودن آن آمده است (ر.ک. الحلی (العلامه)، بی‌تا، ص ۲۰۵؛ الطباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۳۹۰؛ النجفی، ۱۴۰۰، ص ۹۰؛ الرشتی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۵؛ الطباطبایی الیزدی، ۱۳۷۸، ص ۳۳)، مغایرت دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد اصلاح حکم ماده ۴۳۴ ق. آ.د.م. سابق به شکلی که در ماده ۲۵۳ ق. آ.د.م. کنونی آمده، و نیامدن قسمت ذیل ماده یادشده در قانون فعلی، در جهت ایجاد هماهنگی با فقه بوده است.

### ۲.۳. آثار

اگر برای تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق. آ.د.م. ماهیت قرارداد داوری یا سازش قائل شویم، لازم است احکام و آثار داوری یا سازش مترتب شود، ولی همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، شناسایی ماهیت قرارداد داوری یا سازش برای تراضی یادشده و حاکم شناختن احکام و آثار آن دو نهاد

بر تحقیق محلی موضوع ماده یادشده، نه تنها با اشکال و ایراد مواجه است، بلکه از بیان قانون‌گذار در این ماده چنین فهمیده می‌شود که تحقیق محلی موضوع این ماده را همچنان نوعی از تحقیق محلی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا و تابع احکام و آثار آن می‌داند و اگر نظر به حاکم بودن احکام و آثار سازش یا داوری داشت، لازم بود به صراحت اعلام می‌کرد. براین اساس، با نفی ماهیت قرارداد داوری و سازش، تحقیق محلی موضوع ماده یادشده، مشمول احکام و آثار تحقیق محلی در قانون آیین دادرسی مدنی است و نتایج تحقیق محلی موضوع این ماده، همانند نتایج تحقیق محلی معمولی، به عنوان یکی از ادله اثبات موضوع دعوا طرف توجه و ارزیابی دادگاه قرار می‌گیرد و در صورت حصول علم یا اطمینان قاضی (با در نظر گرفتن توافق طرفین دعوا در معرفی مطلعان و اعلام آمادگی ایشان برای تأیید اظهارات مطلعان معرفی شده)، رای دادگاه بر اساس آن صادر می‌شود و چنین رای از نظر قابلیت اعتراض، تابع قواعد مربوط به شکایات از آرا است. البته در صورتی که طرفین دعوا پس از اظهارات مطلعان معرفی شده بر اساس اعلام آمادگی قبلی اظهارات یادشده را تأیید نمایند و به این ترتیب اقرار ایشان محقق شود، دادگاه به استناد اقرار آن‌ها رای صادر می‌کند و در این صورت رای صادر شده به استناد مواد ۳۳۱ و ۳۶۹ ق.آ.د.م. قابل تجدیدنظر و فرجام نخواهد بود.

با وجود این، یکی از نویسندگان، تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. را به طور مطلق، قاطع دعوا، و رای مبتنی بر آن را غیرقابل تجدیدنظر و فرجام اعلام کرده است (حمیتی واقف، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). اطلاق این سخن و قابل تجدیدنظر و فرجام نشناختن رای مستند به تحقیق محلی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م، قابل انتقاد و غیرقابل قبول است، زیرا اگر نظر قانون‌گذار بر این بود که تراضی بر گفته مطلعان معرفی شده، در هر حال مانع درخواست تجدیدنظر و فرجام شود، این مصداق را نیز مانند تراضی بر نظر کارشناس، در مواد ۳۳۱ و ۳۶۹ ق.آ.د.م. اضافه می‌کرد و نیاوردن آن در این مواد، نمایانگر آن است که قانون‌گذار نخواسته است تراضی طرفین در تحقیق محلی در هر صورت مانع تجدیدنظر و فرجام شود.

#### ۴. نتیجه

از این نوشته می‌توان چنین نتیجه گرفت که تراضی موضوع ماده ۲۵۳ ق.آ.د.م. شامل انتخاب اشخاص مطلع و اطلاعاتی که اظهار می‌کنند می‌شود و این توافق از جهت ماهیت، افزون‌بر معرفی مشترک مطلعان برای استماع اظهارات ایشان، اعلام آمادگی طرفین است بر تأیید آنچه مطلعان انتخاب شده اظهار می‌کنند که به صورت کتبی یا شفاهی اعلام می‌شود و نمی‌توان برای

آن ماهیت عقدی قائل شد و برای تراضی موضوع این ماده، ماهیت قرارداد داوری یا سازش نمی‌توان شناخت.

تأثیر چنین توافقی این است که زمینه اقرار در دعوا را فراهم می‌کند؛ به این ترتیب که در صورتی که پس از اظهارات مطلعان، طرفی که این اظهارات به ضرر اوست به آمادگی‌ای که قبلاً اعلام کرده پایبند باشد و آن اظهارات را تأیید نماید، با این کار، اقرار آن طرف محقق شده، دادگاه به نفع طرف مقابل رای صادر می‌کند. اما اگر چنین تأییدی صورت نگیرد، اطلاعات مطلعان انتخاب شده بر اساس ماده ۲۵۵ ق. آ.د.م. به عنوان اماره قضایی، موضوع ارزیابی قاضی قرار می‌گیرد که در این صورت، توافق در انتخاب مطلعان و تراضی قبلی طرفین بر پذیرش اظهارات آن مطلعان، نقش مهم و مؤثر دارد.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. امامی، سید حسن (بی‌تا). حقوق مدنی. ج ۶، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ابوریحان.
۲. حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوی. چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.
۳. صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۸۵). ادله اثبات دعوی در حقوق ایران. چاپ چهارم، بی‌جا، مرکز نشر دانشگاهی.
۴. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۵). آیین دادرسی مدنی. ج ۲، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
۵. مهاجری، علی (۱۳۸۰). شرح قانون آیین دادرسی مدنی. ج ۲، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش.

### ب - عربی

۱. الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (المحقق الحلی) (۱۴۱۵). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ج ۴، الطبعة الاولى، بی‌جا، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲. الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (المحقق الحلی) (بی‌تا). المختصر النافع فی فقه الامامیه. بی‌جا، مصر، دارالکتاب العربی.
۳. الحلی، الحسن بن یوسف بن مطهر (العلامه الحلی) (بی‌تا). قواعد الاحکام. ج ۲ (دو جلد در یک مجلد)، چاپ سنگی، قم، منشورات الرضی.
۴. الرشتی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۱). کتاب القضاء. ج ۱، بی‌جا، قم، مطبعه الخیام.
۵. الطباطبایی، السید علی (۱۴۰۴). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل. ج ۲، چاپ سنگی، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
۶. الطباطبایی البزدی، السید محمد کاظم (۱۳۷۸). العروه الوثقی. ج ۳، بی‌جا، طهران، مطبعه الحیدری.
۷. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (الشیخ الطوسی) (بی‌تا). المبسوط فی فقه الامامیه. ج ۸، بی‌جا، بی‌جا، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۸. المکی العاملی، شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین (الشهید الاول) (۱۳۶۸). اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه. چاپ دوم، قم، دارالفکر.
۹. النجفی، الشیخ محمد حسن (۱۴۰۰). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۴۱، الطبعة السادسة، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

---

١٠. النراقی، المولی احمد (١٤٠٥). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. ج ٢، بی‌جا، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.